

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

مهدی هنرمند^۱

فریبا محمدیان^۲

سیدرضا صالحی امیری^۳



10.22034/ssys.2022.1218.1842

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۹

هدف از این پژوهش؛ شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا بوده است. این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای رهیافت کیفی انجام شده است. مشارکت کنندگان در تحقیق را صاحب نظران و مسئولان حوزه دیپلماسی ورزشی تشکیل می دهند. جهت نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد و نمونه گیری تا جایی تداوم یافت که پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسید (۱۱ نفر). همچنین جهت گردآوری داده ها از مصاحبه عمیق استفاده شده است. در این پژوهش برای اندازه گیری روایی و پایایی ابزار پژوهش از معیارهای «گوبا» و «لینکلن» و جهت تحلیل داده های کیفی از نرم افزار Maxqda نسخه ۱۲ استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه ها نشان داد دیپلماسی ورزشی تابع دو بعد دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی است. همچنین مشخص گردید پیش نیازهای دیپلماسی ورزشی ترکیبی از مقوله های فرعی کسب کرسی های بین المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین المللی، جریان سازی، قابلیت های مورد نیاز برای مسئولان روابط بین الملل، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم و آگاهی بین المللی است. به موجب این نتیجه به راهبران و دست اندرکاران دیپلماسی ورزشی پیشنهاد می گردد با فراهم سازی بستر مناسب برای عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی موجبات اثربخش تر کردن این عوامل را بیش از پیش فراهم سازند تا از این طریق شاهد پویایی و توسعه این قدرت نرم در عرصه بین المللی باشیم.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی نرم، دیپلماسی ورزشی و ورزش ایران.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۲ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Faribamohamadian47@gmail.com

^۳ دانشیار، مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه ورزش یکی از ابزارهای موثر در دست دولت‌ها برای ایفای نقش‌های سیاسی است (مقصودی، ۱۳۹۳: ۲). دولت‌ها از ورزش برای بهبود تصویر بین‌المللی و بهبود روابط خود استفاده می‌کنند. از طرفی برخی نیز درصدد آن هستند با استفاده از ورزش نوعی پذیرش در جامعه جهانی برای خود به دست آورند (مرکل^۱، ۲۰۰۹: ۲۹۲). به همین دلیل در عصر کنونی وجوه سیاسی ورزش به صورت گسترده‌ای رسمیت پیدا کرده و سبب شده است ورزش در روابط بین‌الملل جزء جدایی‌ناپذیر روابط بین دولت‌ها باشد. از اواخر قرن نوزدهم میلادی، دو روند همزمان افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش در جریان بوده‌اند. به رغم توجه امروزی دانش سیاست و به تبع آن، زیرحوزه دانش روابط بین‌الملل به بسیاری از حوزه‌هایی که پیش‌تر در این دو دانش چندان وقعی بدان‌ها نهداده نمی‌شد، حوزه ورزش سیاسی همچنان در حاشیه این دو دانش به سر می‌برد و عنایتی جدی به آن معطوف نشده است (خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۴). این در حالی است که ورزش به منزله اکسیری برای دولت‌هاست که به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک بکر و دست‌نخورده می‌تواند افتراق را از بین ببرد و توسعه، گفتگو و پایداری را ترویج دهد. مؤسسه‌ای که در زمینه ورزش و دیپلماسی فعالیت می‌نمایند، می‌توانند ارزش‌های ورزشی مثبتی از قبیل احترام متقابل، نظم، صبر و تحمل، و دلسوزی را در بین روابط تند و خشن سیاسی افزایش دهند و مایه تلطیف این فضا شوند (لی^۲، ۲۰۱۳: ۱۷۲۶). مورای^۳ دیپلماسی ورزشی را نوعی اکسیر می‌داند که فقر، اختلافات و افتراق ملت‌ها از یکدیگر را از بین می‌برد و توسعه بیشتر را ترویج می‌نماید. این پدیده ارزش‌های مثبت همانند احترام متقابل، نظم، صبوری، مهربانی و تعهد را تقویت می‌نماید (مورای، ۲۰۱۸).

پیش‌تر پژوهش‌های زیادی پیرامون تعامل میان دیپلماسی و ورزش و اینکه چگونه می‌توان دیپلماسی ورزش را تقویت کرد و سرانجام دستاوردهای این قدرت نرم چیست، انجام شده است، اما پژوهشی که به‌طور ویژه به بررسی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی پرداخته باشد، یافت نشد. برای مثال، در پژوهش‌های داخلی گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی- ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان است. در پژوهشی دیگر، خبیری و فتاحی‌زاده (۱۳۹۸) با بررسی مراد از دیپلماسی ورزشی نشان دادند پیشبرد توسعه، اعمال قدرت نرم، ایجاد محملی برای گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی و ارتقای روابط صلح‌آمیز میان دولت‌ها

¹ Merkel

² Li

³ Murray

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

دستاوردهای این دیپلماسی است. شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶) به بررسی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش پرداختند و این مؤلفه‌ها را شامل برندسازی بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون رفت از بعد تاریخ، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه دانستند. این در حالی است که بابایی و همکاران (۱۳۹۴) بر ایجاد اتحاد، غرور ملی و یکپارچگی فرهنگی در همه اقشار جامعه و نیل به توسعه اقتصادی و همگرایی تأکید کردند. عبدی و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با راهبردهای سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی آن می‌تواند هم‌راستای خروجی دیپلماتیک مدنظر هر کشور باشد. همچنین اوزسازی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) دریافته‌اند که دیپلماسی ورزشی یک فعالیت دیپلماسی نرم و منطقی است و ملت‌ها فعالیت‌های دیپلماسی ورزشی را از طریق سازمان‌های ورزشی بین‌المللی و برندهای ملی انجام می‌دهند. با این حال، دی‌سان اوجینو و همکاران^۲ (۲۰۱۷) کشف کردند که مشکلات سیاسی ناشی از برنامه‌ریزی و پیچیدگی ژئوپلیتیکی اثرگذاری دیپلماسی ورزشی را با چالش روبه‌رو کرده است. اوشکوسکا و پتروشکوسکا^۳ (۲۰۱۵) نیز با بررسی توسعه و کارکرد دیپلماسی ورزشی گزارش کردند که ترویج نفوذ سیاسی کشورها، گسترش فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و همچنین تقویت صلح، دستاوردهای دیپلماسی ورزشی است.

مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد دیپلماسی ورزشی یک فعالیت نرم و منطقی است (برای مثال، اوزسازی و همکاران، ۲۰۱۸)، استفاده از آن همواره دستاوردهای زیادی را به همراه دارد (برای مثال، خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۸) و تابع مؤلفه‌های مختلفی است (برای مثال، شریعتی و گودرزی، ۱۳۹۶). با این حال پیچیدگی ژئوپلیتیکی اثرگذاری دیپلماسی ورزشی را با چالش روبه‌رو کرده است (برای مثال، اوجینو و همکاران، ۲۰۱۷)، چرا که موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی، خصوصیات فرهنگی و دیگر عوامل ژئوپلیتیکی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی کشورها، مؤثر است و قاعده‌تاً دیپلماسی ورزش نیز که یکی از ارکان دیپلماسی عمومی است از این قاعده مستثنی نیست (اوجینو و همکاران، ۲۰۱۷). از طرفی یک توافق جمعی پیرامون مؤلفه‌های سازنده دیپلماسی ورزشی وجود ندارد و این سبب شده است فاصله و گسست میان تعریف و تبیین مقوله دیپلماسی ورزشی به‌وجود آید- برای مثال، مؤلفه‌های مطرح شده برای دیپلماسی ورزش در تحقیق‌های شریعتی و گودرزی، ۱۳۹۶؛ با مؤلفه‌های کشف شده در تحقیق بابایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ یکی نیست. همچنین نقش ورزش به عنوان یک ابزار مؤثر در توسعه روابط بین‌الملل بسیار مورد تأکید و توجه قرار گرفته است (برای مثال، عبدی و همکاران، ۲۰۱۹)، اما اینکه تحقیقی به‌طور خاص مشخص کند که چه پیشنهادها یا الزاماتی می‌تواند دیپلماسی ورزشی را عرصه روابط بین‌الملل توسعه دهد، انجام نشده است و چون در جهان امروز در دیپلماسی بین‌المللی به منظور رشد اقتصاد داخلی و مقابله با سیاست انزوا، توجه به روابط رسمی و غیررسمی نیاز بسیار ضروری است و در این بین ورزش نقش مهمی را ایفاء می‌کند،

¹ Özsari

² de-San-Eugenio

³ Ushkovska & Petrushevska

لازم است در وهله اول مشخص گردد که دیپلماسی ورزشی تابع چه مؤلفه‌هایی است؟ و اینکه چگونه می‌توان دیپلماسی ورزشی را توسعه داد؟ این مسائل اهمیت انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه را بیش از پیش نمایان ساخته و به دلیل اینکه ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژی و برنامه‌های راهبردی بر دیپلماسی ورزش اثرگذار و این ویژگی‌ها از جانب دولت‌ها به طرق مختلف دنبال می‌شود، ضروری است شناخت این مؤلفه‌ها و عوامل موثر بر آن با تأکید بر جنبه‌های داخلی و از منظر صاحب‌نظران این حوزه پیگیری و احصا شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا و رهیافت کیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق را صاحب‌نظران حوزه دیپلماسی ورزشی تشکیل می‌دهند. جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است و نمونه‌گیری تا جایی تداوم یافت که پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسید (۱۱ نفر). اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تحقیق

حوزه فعالیت	تحصیلات	شغل	ردیف
دانشگاهی	اجرائی		
*	دکتری	هیئت علمی	مصاحبه-۱
*	کارشناس ارشد	مجربی رادیو ورزش	مصاحبه-۲
*	دکتری	رئیس کمیسیون بین‌الملل کمیته ملی المپیک	مصاحبه-۳
*	دکتری	اعضای کمیسیون روابط بین‌الملل کمیته ملی المپیک	مصاحبه-۴
*	دکتری	عضو هیئت رئیسه فدراسیون جهانی بدمینتون	مصاحبه-۵
*	دکتری	هیئت علمی	مصاحبه-۶
*	کارشناس ارشد	عضو هیئت رئیسه کنفدراسیون شنای آسیا	مصاحبه-۷
*	کارشناس ارشد	پژوهشگر مسائل بین‌الملل	مصاحبه-۸
*	کارشناس ارشد	نایب رئیس کمیته فنی فدراسیون جهانی واترپلو	مصاحبه-۹
*	دکتری	نایب رئیس فدراسیون دوومیدانی در آسیای میانه	مصاحبه-۱۰
*	دکتری	دکتری مدیریت راهبردی	مصاحبه-۱۱

همچنین شاخص‌های پژوهش‌گران جهت نمونه‌گیری از میان جامعه آماری شامل این بود که افراد با دیپلماسی و دیپلماسی ورزشی آشنا باشند، دارای کتاب و مقاله علمی- پژوهشی تألیف‌شده، دارای سابقه تدریس و دارای تجربه کاری در زمینه‌های مذکور باشند. همچنین جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق استفاده شده است. سؤالات این مصاحبه به صورت باز و کلی و بر مبنای اهداف تحقیق تعیین شده است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

روایی و پایایی ابزار پژوهش از معیارهای «گوبا»^۱ و «لینکلن»^۲ و در بحث روایی شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال-پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری و در بحث پایایی از روش پایایی بازآزمون استفاده شده است.

جدول ۲: محاسبه پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
۱	مصاحبه ۳	۱۳	۶	۳	۰/۹۲۳
۲	مصاحبه ۶	۱۸	۷	۴	۰/۷۷۷
۳	مصاحبه ۹	۱۲	۵	۱	۰/۸۳۳
	جمع	۴۳	۱۸	۸	۰/۸۳۷

با استناد به نتایج جدول ۲، پایایی بازآزمون مصاحبه‌های این پژوهش برابر با ۸۳۷٪ است. با توجه با اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰٪ است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. سرانجام به منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده از دو فرایند همپوش کدگذاری اولیه (شناسایی مقوله‌های فرعی) و کدگذاری محور (ساخت مقوله‌های اصلی) با کمک نرم‌افزار (Maxqda) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در ادامه کدهای اولیه براساس متن مصاحبه در جدول ۳، ارائه شده است. گفتنی است در این پژوهش به‌جای ارائه تمامی صفحات نگارش شده از مصاحبه‌ها، فقط نکات کلیدی مصاحبه‌ها براساس حاشیه‌نویسی بر متون مصاحبه تعیین شده است:

جدول ۳: کدگذاری اولیه براساس متن مصاحبه

شماره مصاحبه	کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)
۱۱م، ۹م، ۸م، ۲م	توسعه ارکان ورزش به ویژه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای
۱۰م، ۸م، ۱م	روش اعمال تدابیر لازم در حوزه ورزش
۸م، ۱م	توسعه روابط دیپلماتیک
۱۱م، ۱۰م، ۲م	خروج از انزوای سیاسی
۸م، ۲م	ابزای برای انتقال ارزش‌ها
۱۱م، ۸م، ۲م	عرصه انتقال دیپلماسی فرهنگی
۱۰م، ۸م، ۲م	روان‌سازی روابط سیاسی
۸م، ۱م	ورزش برای راهگشایی در سیاست
۸م، ۲م	بهبود روابط بین‌الملل
۱۰م، ۸م	افزایش اعتبار بین‌المللی ورزشی

¹ Guba

² Lincoln

مصلحت‌اندیشی و تدبیر در حوزه ورزش	۸م، ۱م
عضویت در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی	۲م، ۱م، ۴م، ۳م
حضور مؤثر در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی	۱م، ۲م، ۳م
ارتباط‌گیری روسای فدراسیون با عناصر خارجی	۸م، ۱۰م، ۱۱م، ۳م
شناسایی افراد مؤثر در سازمان متبوع از سوی روسای فدراسیون	۳م
مشخص کردن نحوه ارتباط‌گیری از سوی روسای فدراسیون	۱۱م، ۱۰م، ۴م، ۳م
داشتن برنامه برای آینده در فدراسیون جهانی	۳م
استفاده از ظرفیت سازمان‌های غیردولتی	۳م
تلاش برای دستاوردهای بخشی نه فردی	۲م، ۱م
استفاده از ورزشکاران و مربیان مطرح در کمیته ملی المپیک	۱۰م، ۳م
داشتن برنامه براساس سیاست حاکم بر کشور	۲م
رشد و تربیت مدیر دیپلماسی ورزشی	۸م، ۶م، ۴م، ۳م
پیروی از راهبردهای شفاف در بحث دیپلماسی	۱م، ۶م
شناسایی و کمک‌گیری از افراد تأثیرگذار غیرورزشی	۱۰م، ۳م
استفاده از ظرفیت وزارت خارجه	۹م، ۸م، ۱۰م، ۳م
ثبات مدیریت در ایران	۱۱م، ۲م، ۵م
داشتن برنامه راهبردی با ضمانت اجرایی	۲م
حفظ افرادی که در مجامع بین‌المللی کرسی‌های ورزشی در اختیار دارند	۱۰م، ۵م
به‌کارگیری افراد فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی	۱۱م، ۲م، ۳م
حضور در گروه‌های تأثیرگذار	۱۱م، ۲م
عضویت در هیئت‌های اجرای فدراسیون‌های جهانی	۲م، ۱م، ۳م
دانش علمی	۱م، ۷م، ۶م، ۴م
شناخت معاهدات ورزشی بین‌المللی	۸م
دانش دیپلماسی ورزش	۱۰م، ۸م، ۳م
خودآگاهی سیاسی	۱۱م، ۲م، ۸م
فن بیان مناسب	۱۱م، ۵م، ۴م
داشتن مهارت سیاسی برای مدیران	۷م، ۶م
تسلط به زبان انگلیسی	۸م، ۵م، ۴م
آگاهی کامل به موضوع و کرسی که در اختیار دارد	۷م، ۵م، ۴م
شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی در فدراسیون‌ها پیرامون دیپلماسی	۱۰م، ۹م، ۵م
خصوصی‌سازی ورزش در کشور	۱۰م، ۵م
به‌کارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی	۹م، ۵م، ۲م

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

حمایت مسئولان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی از سوی مسئولان کشور	۹م، ۲م، ۱م
استفاده از ظرفیت مشاوره‌ای وزارت خارجه	۱م، ۸م
تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه	۹م، ۱م، ۸م
پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی	۲م
وجود کارشناس ورزش در دستگاه وزارت خارجه	۹م، ۱م
توسعه دیپلماسی عمومی از سوی دولت	۲م
روشن‌سازی دکترین سیاست خارجی کشور	۱م، ۲م
ایجاد کمیته‌های اجرایی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی	۹م، ۷م
هماهنگ‌سازی دستگاه دخیل در امر دیپلماسی	۹م، ۲م، ۱م
تعریف رشته روابط بین‌الملل در ورزش ذیل دانشکده‌های ورزشی	۱۰م، ۶م، ۱م
ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش	۱م
در نزد مسئولان عالی رتبه کشور به ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک نگاه شود	۱۰م، ۹م، ۲م
ارزش‌گذاری دیپلماسی ورزش از سوی شورای عالی ورزش کشور	۳م، ۲م، ۱م
تعیین چارچوب کلی برای دیپلماسی ورزشی	۵م، ۲م
دانش تجربی	۷م، ۶م، ۴م
استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار	۶م
تعیین چشم‌انداز	۶م
تعیین فلسفه وجودی ورزش	۱۰م، ۹م، ۶م
شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش	۶م
تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور	۱۰م، ۲م
هدف‌گذاری‌ها	۶م، ۲م، ۳م
تخصیص بودجه کافی ویژه کسب کرسی‌های مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی	۱۰م، ۷م، ۲م
اختصاص اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی ورزشی	۴م، ۲م، ۷م، ۱م
هزینه‌کرد در ورزش از طریق برگزاری رویدادهای ورزشی مهم	۷م، ۲م
منابع مالی برای حمایت از برنامه‌های دیپلماسی	۱۱م
تبیین و شناخت وضعیت اجتماعی کشورهای دیگر	۱م، ۸م، ۲م
تبیین و شناخت وضعیت سیاسی کشورهای دیگر	۱۱م، ۱م، ۸م، ۲م

مرحله دوم کدبندی داده‌ها، ساخت مقولات فرعی است. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در ضمن انجام تجزیه و تحلیل، پژوهش‌گر به کدهای اولیه متعددی دست یافته است. نکته مهم در این میان این است که این کدها باید مبنایی باشند؛ یعنی باید پدیده‌های مشابه

با همدیگر طبقه‌بندی شوند. روند طبقه‌بندی مفاهیم که به نظر می‌رسد به پدیده‌های مشابه ربط پیدا می‌کند، «مقوله-پردازی» نامیده می‌شود. آنگاه به مقوله‌ای که پدیده‌ای را شامل می‌شود یک اسم مفهومی داده می‌شود. باید توجه داشت که این اسم باید انتزاعی‌تر از اسامی مفهومی باشد (چارمز^۱، ۲۰۰۶).

جدول ۴: ساخت مقوله‌های فرعی براساس مفاهیم مشترک بین کدهای اولیه

کدهای اولیه (مقوله‌های فرعی)	کدهای محوری (مقوله‌های اصلی)
توسعه ارکان ورزش به ویژه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای	دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی
روش اعمال تدابیر لازم در حوزه ورزش	
افزایش اعتبار بین‌المللی ورزشی	
مصلحت‌اندیشی و تدبیر در حوزه ورزش	
توسعه روابط دیپلماتیک	
خروج از انزوای سیاسی	
ابزاری برای انتقال ارزش‌ها	دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی
عرصه انتقال دیپلماسی فرهنگی	
روان‌سازی روابط سیاسی	
ورزش برای راهگشایی در سیاست	
بهبود روابط بین‌الملل	
عضویت در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی	کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش
حضور مؤثر در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی	
حضور در گروه‌های تأثیرگذار	
عضویت در هیئت‌های اجرای فدراسیون‌های جهانی	
ارتباط‌گیری روسای فدراسیون با عناصر خارجی	
شناسایی افراد مؤثر در سازمان متبوع از سوی روسای فدراسیون	داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی
مشخص کردن نحوه ارتباط‌گیری از سوی روسای فدراسیون	
داشتن برنامه برای آینده در فدراسیون جهانی	
تلاش برای دستاوردهای بخشی نه فردی	
استفاده از ورزشکاران و مربیان مطرح در کمیته ملی المپیک	
داشتن برنامه براساس سیاست حاکم بر کشور	جریان‌سازی
رشد و تربیت مدیر دیپلماسی ورزشی	
پیروی از راهبردهای شفاف در بحث دیپلماسی	
شناسایی و کمک‌گیری از افراد تأثیرگذار غیرورزشی	

^۱ Charmaz

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

	استفاده از ظرفیت وزارت خارجه
	ثبات مدیریت در ایران
	داشتن برنامه راهبردی با ضمانت اجرایی
	به کارگیری افراد فارغ از جهت گیری های سیاسی
جریان سازی	حفظ افرادی که در مجامع بین المللی کرسی های ورزشی دارند
	استفاده از ظرفیت سازمان های غیردولتی
	دانش علمی
قابلیت های مورد نیاز برای مسئولان	شناخت معاهدات ورزشی بین المللی
روابط بین الملل	دانش دیپلماسی ورزش
	خودآگاهی سیاسی
	دانش تجربی
ظرفیت های اولیه برای مسئولان	فن بیان مناسب
روابط بین الملل	داشتن مهارت سیاسی برای مدیران
	تسلط به زبان انگلیسی
	آگاهی کامل به موضوع و کرسی که در اختیار دارد
	شکل گیری کمیته های تخصصی در فدراسیون ها پیرامون دیپلماسی
	به کارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی
	حمایت مسئولان کرسی های بین المللی ورزشی از سوی مسئولان
	استفاده از ظرفیت مشاوره های وزارت خارجه
	تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه
	پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی
	وجود کارشناس ورزش در دستگاه وزارت خارجه
	خصوصی سازی ورزش در کشور
بستر سازی	توسعه دیپلماسی عمومی از سوی دولت
	روشن سازی دکترین سیاست خارجی کشور
	ایجاد کمیته های اجرایی با هدف کسب کرسی های بین المللی
	هماهنگ سازی دستگاه دخیل در امر دیپلماسی
	تعریف رشته روابط بین الملل در ورزش ذیل دانشکده های ورزشی
	ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش
	در نزد مسئولان عالی رتبه کشور به ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک نگاه شود
	ارزش گذاری دیپلماسی ورزش از سوی شورای عالی ورزش کشور
	تعیین چارچوب کلی برای دیپلماسی ورزشی

	استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت دار
	تعیین چشم انداز
تدوین برنامه راهبردی	تعیین فلسفه وجودی ورزش
	شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش
	تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور
	هدف‌گذاری‌ها
	تخصیص بودجه ویژه کسب کرسی‌های موثر در سازمان‌های بین‌المللی
سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم	اختصاص اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی
	هزینه‌کرد در ورزش از طریق برگزاری رویدادهای ورزشی مهم
	منابع مالی برای حمایت از برنامه‌های دیپلماسی
	تبیین و شناخت وضعیت اجتماعی کشورهای دیگر
آگاهی بین‌المللی	تبیین و شناخت وضعیت سیاسی کشورهای دیگر
	تبیین و شناخت وضعیت فرهنگی کشورهای دیگر

سرانجام با چینش مقوله‌های فرعی در کنار هم براساس منطق و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند مقولات اصلی بایستی ساخته شوند. این مرحله انتزاعی‌ترین سطح کدگذاری است که از طریق آن روابط بین مقوله‌های ایجاد شده تشریح می‌شود (چارمز، ۲۰۰۶).

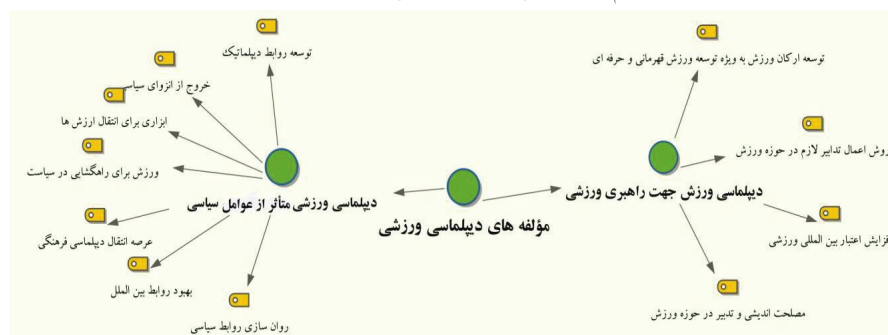
جدول ۵: ساخت مقوله‌های اصلی براساس چینش مقوله‌های فرعی در کنار هم

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی	دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی
پیش‌نیازهای دیپلماسی ورزشی	جریان سازی ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان روابط بین‌الملل بسترسازی
	تدوین برنامه راهبردی سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم آگاهی بین‌المللی

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

با استناد به نتایج چینش مقوله‌های فرعی در کنار هم مشخص گردید که متغیر دیپلماسی ورزشی ترکیبی از دو مقوله اصلی دیپلماسی ورزشی جهت راهبری ورزشی^۱ و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی^۲ است. همچنین مشخص گردید که پیش‌نیازهای دیپلماسی ورزشی ترکیبی از مقوله‌های اصلی کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش^۳، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی^۴، جریان‌سازی^۵، قابلیت‌های مورد نیاز برای مسئولان روابط بین‌الملل^۶، بسترسازی^۷، تدوین برنامه راهبردی^۸، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم^۹ و آگاهی بین‌المللی^{۱۰} است.

در این پژوهش برای نمایش کدهای نظری و قابل فهم بودن آن‌ها لایه‌های تفکیک شده‌ای ارائه می‌شود و در نهایت براساس قرار گرفتن لایه‌ها در کنار هم، مدل نهایی تحقیق ارائه می‌گردد:



شکل ۱: مدل مفهومی مؤلفه های دیپلماسی ورزشی

¹ Sports Diplomacy for Sports Guiding

² Sports diplomacy influenced by political factors

³ Gaining international seats in sport

⁴ Having a roadmap for diplomacy leaders internationally

⁵ Mainstreaming

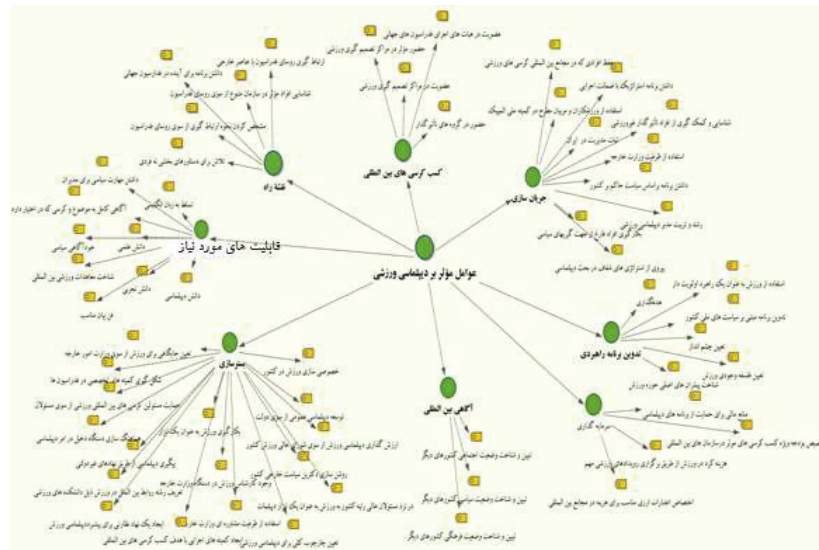
⁶ Early Potential Capacities for International Relations Officers

⁷ Bedding

⁸ Develop a strategic plan

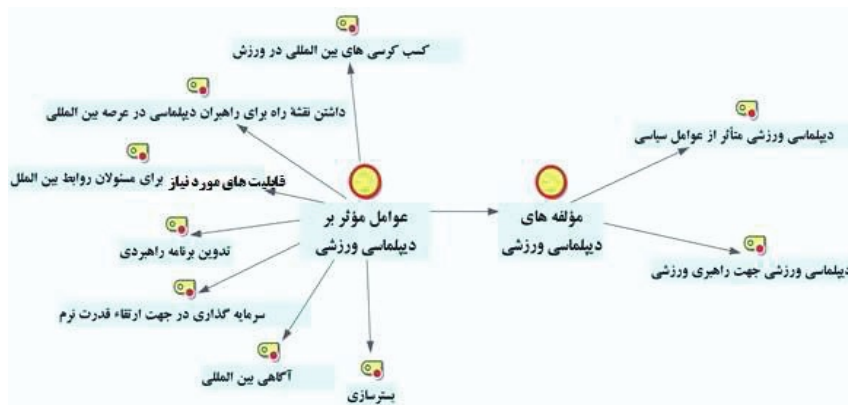
⁹ Investment in upgrading soft power

¹⁰ International awareness



شکل ۲: مدل مفهومی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی

براساس ترکیب لایه‌های ارائه شده در شکل ۱ و ۲، مدل نهایی تحقیق در شکل ۳ ارائه شده است:



شکل ۳: مدل نهایی تحقیق

بحث و نتیجه گیری

هدف از این تحقیق، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دیپلماسی ورزشی از دو طریق دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی تعریف می‌شود. در واقع مشخص گردید که دیپلماسی ورزشی از دو بعد دیپلماسی ورزشی جهت

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

راهبری ورزشی و دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی تشکیل شده است. این یافته با نتیجه مطالعه جکسون^۱ (۲۰۱۳) مبتنی بر اینکه یکی از کارکردهای دیپلماسی ورزشی اثرگذاری بر روابط سیاست خارجه و روابط دیپلماتیک است، همخوانی دارد و در تحقیق حاضر این کارکرد به عنوان مؤلفه دیپلماسی ورزشی متأثر از عوامل سیاسی تعریف گردید. همچنین این یافته با نتیجه مطالعه اوشکوسکا و پتروشکوسکا (۲۰۱۵) که به این نتیجه رسیدند ورزش یک ابزار سیاسی ارزشمند در روابط بین‌الملل است، همخوان است. به علت اینکه در تحقیق اوشکوسکا و پتروشکوسکا (۲۰۱۵) نیز به مانند تحقیق حاضر از دیپلماسی ورزشی به عنوان یک ابزار سیاسی در راهبری روابط بین‌الملل یاد شده است. از طرفی ممکن است به دلیل ماهیت زبان مشترک دیپلماسی بین‌المللی بوده باشد. در نهایت مشخص گردید که این یافته با نتایج مطالعه عبدی و همکاران (۲۰۱۹) نیز همخوان است. در این تحقیق که بیشتر برای آن کارکرد سیاسی دیپلماسی ورزشی را می‌توان متصور بود مشخص گردید که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با راهبردهای سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی آن می‌تواند هم‌راستای خروجی دیپلماتیک مدنظر هر کشوری باشد. اما با این حال این یافته با نتیجه مطالعه باقری و همکاران (۱۳۹۵) که طی تحقیقی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی را تعریف و تبیین کردند، ناهمخوان است، چرا که در مطالعه باقری و همکاران مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی در قالب مفاهیم توسعه فرهنگی، صلح و دوستی، تعاملات رسانه‌ای، وحدت و هویت ملی، توسعه سیاسی و مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، برندینگ و پرستیژ بین‌المللی و توسعه قدرت هوشمندانه خلاصه می‌شد اما در تحقیق حاضر دیپلماسی ورزشی در قالب دو مؤلفه تعریف شد و این دو مؤلفه نیز به حیث محتوایی مشخص گردید ماهیت آن با ماهیت مؤلفه‌های مطالعه باقری و همکاران در تضاد است. به عبارتی دیگر، مؤلفه‌های شناسایی‌شده در این تحقیق با مؤلفه‌های حاصل شده در مطالعه باقری و همکاران یک معنا و مفهوم واحد نداشتند. یکی دیگر از علت‌هایی که سبب ناهمخوانی نتایج این دو تحقیق شده، این است که در مطالعه باقری و همکاران (۱۳۹۵) به روندها و پیشران‌های مؤثر بر آینده دیپلماسی ورزشی پرداخته شده است تا شناسایی مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی؛ به علاوه نتایج این تحقیق با نتایج مطالعه شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶) ناهمخوان است. این تحقیق که با هدف مدلسازی ساختاری مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران انجام شد، مشخص ساخت که دیپلماسی ورزشی همان مؤلفه‌هایی را دارد که در مطالعه باقری و همکاران (۱۳۹۵) به آن اشاره شده است. به عبارتی دیگر، نتایج تحقیق‌های نام برده کاملاً مشابه و همسان هم بود این در حالی است که رویکردهای این دو تحقیق از هم متفاوت است. لذا می‌توان اینگونه استنباط کرد که در تحقیق‌های نامبرده مؤلفه‌ای برای دیپلماسی ورزشی تعیین و تبیین نشده است، بلکه بیشتر به شناسایی روندها، پیشران‌ها، پیامدها و عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل پرداخته شده است. در تصدیق این استنباط نوری و همکاران (۱۳۹۷) طی تحقیقی که با هدف طراحی الگوی دیپلماسی فوتبال ایران براساس نظریه زمینه‌ای انجام دادند به این نتیجه رسیدند که

¹ Jackson

عوامل شناسایی شده در تحقیق‌های نام برده که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، در دسته‌بندی پیامدهای دیپلماسی ورزشی قرار دارند تا مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان که کارشناس مسائل بین‌الملل بود (مصاحبه‌شونده شماره ۸) اشاره داشت. او معتقد است دیپلماسی ورزش متاثر از عوامل سیاسی، دیپلماسی است که از ظرفیت ورزش برای فعال ساختن برخی روابط سیاسی و دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل استفاده می‌شود؛ یعنی جاهایی که ممکن است مسیرهای دیپلماسی بسته شده باشد، ورزش به کمک دیپلماسی می‌آید. در واقع ورزش خدمات‌اش را به دیپلماسی ارائه می‌دهد و بسیاری از کشورها از این ظرفیت استفاده کرده‌اند. نمونه بارز آن کشور آلمان بود که پس از جنگ جهانی دوم توانست با استفاده از ظرفیت ورزش خود را به ملل دیگر نزدیک کند. در مقابل اما دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی، این دیپلماسی کاملاً برعکس دیپلماسی ورزش متاثر از عوامل سیاسی است. در این بعد ورزش از دیپلماسی و ظرفیت دیپلماسی جهت اثرگذاری بر ورزش، روابط ورزشی، رویدادهای و اتفاق‌های وابسته به آن استفاده و بهره‌مند می‌شود. همچنین می‌توان اذعان داشت که این دیپلماسی یک نوع علم دیپلماسی است در جهت اینکه شخصی که تخصص دیپلماسی راهبری ورزش دارد بتواند از ظرفیت‌های خودش برای احقاق حقوق ورزشی در میادین ورزشی استفاده کند.

در تبیین دیگر می‌توان گفت که اثرگذاری این مؤلفه‌ها بر همدیگر متقابل است. براین اساس مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی را می‌توان تنها در قالب دو مؤلفه تعریف و تبیین کرد. در راهبری سیاسی ورزش به دیپلماسی و در راهبری ورزشی دیپلماسی به ورزش خدمت‌دهی می‌کند. براین اساس می‌توان گفت که دیپلماسی ورزشی ماهیتاً با دیپلماسی‌های دیگری برای مثال دیپلماسی هنر متفاوت است، چرا که در دیپلماسی هنر از هنر به عنوان یک زبان بین‌المللی در پیشبرد اهداف فرهنگی استفاده می‌شود در حالی که در دیپلماسی ورزشی با راهبری ورزشی و راهبری سیاسی اهداف ورزشی و سیاسی یک کشور مدنظر قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که ورزش ابزاری مؤثرتری برای ارتباطات دیپلماتیک کشورها به شمار می‌آید. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق در سه حوزه مختلف می‌توان از ظرفیت دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی استفاده کرد. نخست پیش از برگزاری تورنمنت ورزشی یا رویداد ورزشی، دوم هنگام انجام آن رویداد، و در حالت سوم پس از انجام آن رویداد. به گفته این مصاحبه‌شونده، متأسفانه ما در مرحله پیش از برگزاری مسابقه ضعف داریم و این ضعف اساسی است، چون که اگر چالش‌ها و مشکلات این عرصه را از طریق دیپلماسی ورزشی حل و فصل نماییم، مشکلات ادامه دار نخواهد بود و به مراحل حین و پس از انجام رویداد نمی‌رسد. لذا برای حل این مسئله باید راهبران دیپلماسی ما مجهز به یک سری پتانسیل‌هایی باشند که آنان را در امور مورد نظر راهنمایی و هدایت کند.

همچنین براساس چینش کدهای اولیه حاصل از انجام مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه مشخص گردید که دیپلماسی ورزش جهت راهبری ورزشی در قالب توسعه ارکان ورزش به ویژه توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، روش اعمال تدابیر لازم در حوزه ورزش، افزایش اعتبار بین‌المللی ورزشی و مصلحت‌اندیشی و تدبیر در حوزه ورزش

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

نمود پیدا می‌کند. در مقابل توسعه روابط دیپلماتیک، خروج از انزوای سیاسی، ابزاری برای انتقال ارزش‌ها، عرصه انتقال دیپلماسی فرهنگی، روان‌سازی روابط سیاسی، ورزش برای راهگشایی در سیاست و بهبود روابط بین‌الملل تبیین‌کننده و توضیح‌دهنده دیپلماسی ورزش متأثر از عوامل سیاسی بود.

در بخش دیگری از پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دیپلماسی ورزشی تحت تأثیر چند عامل می‌تواند قرار گیرد. در واقع مشخص گردید که دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل متأثر از چندین پیش‌نیاز یا پیشران یا عامل اصلی است. این عوامل شامل کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی، جریان‌سازی، قابلیت‌های مورد نیاز برای مسئولان روابط بین‌الملل، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم و آگاهی بین‌المللی بود. این یافته با نتایج تحقیق نوری و همکاران (۱۳۹۷) در زمینه بسترسازی و سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت نرم همخوان است، چرا که در تحقیق مذکور مصداق این عوامل در قالب عوامل اقتصادی و عوامل مرتبط با دولت و سیاست تاحدودی نمود پیدا می‌کرد. همچنین این یافته با نتایج تحقیق گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. به علت اینکه آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی از جمله راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان مشارکت‌کننده در این تحقیق بود. به علاوه، این یافته همخوان با نتیجه مطالعه دی‌سان اوجینو و همکاران (۲۰۱۷) است. به موجب اینکه در این تحقیق به روشنی اشاره شده است که یکی از چالش‌های پیش‌روی دیپلماسی ورزشی نزد باشگاه‌های ورزشی عدم برنامه‌ریزی می‌باشد. در مقابل این تحقیق نشان داد که یکی از پارامترهای اثرگذار بر دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل تدوین برنامه راهبردی است. این در حالی است که نتایج تحقیق هوشمندی و بابایی (۱۳۹۴) که با محوریت دیپلماسی ورزش، سیاست‌ها و ایجاد صلح انجام شد با یافته‌های این تحقیق ناهمخوان است. به دلیل اینکه در این تحقیق مشخص گردید که از طریق چهار ساز و کار می‌توان دیپلماسی ورزشی را ایجاد کرد که شامل تصویر سازی، ایجاد یک هدف سیاسی برای گفتگو، اعتمادسازی و آشتی، اتحاد و مبارزه با تبعیض نژادی بود. همچنین نتیجه تحقیق بابایی و همکاران (۱۳۹۴) که اشاره به استفاده از راهبرد نفوذ، جذب و اقناع در ورزش داشت، با یافته‌های این تحقیق در تضاد است. به علاوه این یافته با نتایج مطالعه خبیری و فتحی‌زاده (۱۳۹۸) که به اعمال قدرت نرم، ایجاد محملی برای گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی و ارتقای روابط صلح آمیز میان دولت‌ها اشاره داشتند، ناهمخوان است، چونکه عوامل تعیین‌کننده دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌المللی با عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی در این تحقیق همراستا و هم‌جهت نیست. در نهایت مشخص گردید که نتایج تحقیق عیدی و همکاران (۲۰۱۹) که تناسب منابع را با راهبردهای سیاسی هر کشور مطرح ساخته بود، با یافته‌های این تحقیق ناهمخوان است. چرایی این ناهمخوانی را می‌توان به تفاوت‌های زمینه‌ای این تحقیق و

تحقیق نام‌برده منتصب دانست. در این دو تحقیق جوامع مختلفی بررسی شده و احتمال می‌رود سطح دیپلماسی، فرهنگ دیپلماسی، وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این جوامع با هم متفاوت باشد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به نتایج یکی از تحقیق‌های انجام گرفته در این راستا (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴) اشاره داشت که مشخص ساخت جمهوری اسلامی ایران تاکنون به دلیل نداشتن راهبرد واحد در زمینه دیپلماسی ورزش و دید «حیات خلوت» به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است. در واقع این تحقیق اشاره دارد که بهره‌مندی از دیپلماسی ورزشی در گرو این است که پیشران‌ها و پارامترهای مؤثر بر آن را تدوین و اجرایی نماییم- از منظر تحقیق مذکور یکی از این پیشران‌ها داشتن راهبرد واحد است. اما از منظر این تحقیق کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش با محوریت اینکه در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی و هیئت‌های اجرایی فدراسیون‌های جهانی عضویت داشته باشیم و در مراکز تصمیم‌گیری ورزشی و گروه‌های تأثیرگذار حضور مؤثر به عمل آوریم، یک پیشران اساسی به شمار می‌رود. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه شونده شماره ۳) در کمیته بین‌المللی المپیک ۱۱۵ عضو وجود دارد که از این تعداد حتی یک فرد ایرانی نمی‌باشد. ما در جایگاه تصمیم‌گیری ورزشی جهان نیستیم، چرا که ما در واقع هیچگونه دیپلماسی ورزشی نداریم تا بتوانیم در این جایگاه عضویتی داشته باشیم، و چون عضویت در این گروه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری یکی از راه‌های اساسی پیاده‌سازی دیپلماسی ورزشی است، باید توجه ویژه‌ای به این پارامتر داشت. یکی دیگر از شاخص‌های مؤثر بر دیپلماسی ورزشی، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌الملل است. تحلیل و چینش کدهای اولیه نشان داد این عامل از طریق ارتباط‌گیری روسای فدراسیون با عناصر خارجی، شناسایی افراد مؤثر در سازمان متبوع از سوی روسای فدراسیون، مشخص کردن نحوه ارتباط‌گیری از سوی روسای فدراسیون، داشتن برنامه برای آینده در فدراسیون جهانی و تلاش برای دستاوردهای بخشی نه فردی می‌تواند تحقق یابد. همچنین مشخص گردید که جریان‌سازی یکی دیگر از محورهای مؤثر بر دیپلماسی ورزشی است. منظور از جریان‌سازی این است که از ورزشکاران و مربیان مطرح در کمیته ملی المپیک استفاده شود، برای دیپلماسی براساس سیاست حاکم بر کشور برنامه تنظیم شود، مدیر دیپلماسی ورزشی تربیت شود، از راهبردهای شفاف در بحث دیپلماسی استفاده شود، از افراد تأثیرگذار غیرورزشی کمک گرفته شود، ثبات مدیریت برقرار باشد، برنامه راهبردی با ضمانت اجرایی وجود داشته باشد، افرادی که در مجامع بین‌المللی کرسی‌های ورزشی دارند حفظ گردند و از افراد فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی در کسب کرسی‌های بین‌المللی حمایت و استفاده شود.

در تبیینی دیگر می‌توان گفت که ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان و روابط بین‌الملل جزو واجبات بهره‌مندی از دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل می‌باشد. براساس مصاحبه‌هایی که با صاحب‌نظران این حوزه انجام شد، این اتفاق نظر در بین پاسخ‌دهندگان وجود داشت که مسئولان و راهبران دیپلماسی کشور از ظرفیت‌های اولیه برخوردار نیستند و همین عامل خود سبب شده است بسیاری از ناکارآمدهای عرصه دیپلماسی مرتبط با این عامل دانسته شود. شاید به همین دلیل است که یکی از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه‌شونده شماره ۸) داشتن ظرفیت‌های اولیه برای راهبران

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

دیپلماسی ورزشی را چاره راه بسیاری از چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی دیپلماسی ورزشی می‌داند. چنین دست‌بندی کدهای برخاسته از مصاحبه نشان داد این ظرفیت‌ها از طریق دانش علمی، شناخت معاهدات ورزشی بین‌المللی، دانش دیپلماسی ورزش، خودآگاهی سیاسی، دانش تجربی، فن بیان مناسب، داشتن مهارت سیاسی برای مدیران، تسلط به زبان انگلیسی و آگاهی کامل به موضوع و کرسی که راهبران ورزشی در عرصه ملی و بین‌المللی در اختیار دارند، شکل می‌گیرد. همچنین مشخص گردید که بسترسازی یکی از راه‌های مؤثر در بهره‌مندی از ظرفیت دیپلماسی ورزشی است؛ به این معنی که اگر بسترسازی انجام شود می‌توان از ظرفیت دیپلماسی ورزشی استفاده کرد- به شرط اینکه شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی در فدراسیون‌ها پیرامون دیپلماسی، به‌کارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی، حمایت مسئولان کرسی‌های بین‌المللی ورزشی از سوی مسئولان کشور، استفاده از ظرفیت مشاوره‌ای وزارت خارجه، تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه، پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی، وجود کارشناس ورزش در دستگاه وزارت خارجه، خصوصی سازی ورزش در کشور، توسعه دیپلماسی عمومی از سوی دولت، روشن‌سازی دکترین سیاست خارجی کشور، ایجاد کمیته‌های اجرایی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی، هماهنگی- سازی دستگاه دخیل در امر دیپلماسی، تعریف رشته روابط بین‌الملل در ورزش ذیل دانشکده‌های ورزشی، ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش، در نزد مسئولان عالی رتبه کشور به ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک نگاه شود، ارزش‌گذاری دیپلماسی ورزش از سوی شورای عالی ورزش کشور و تعیین چارچوب کلی برای دیپلماسی ورزشی در دستور کار نهادها و دست‌اندرکاران مربوطه قرار گیرد.

در تبیین دیگر اینکه از دیدگاه یکی از مصاحبه‌شوندگان دارای تخصص مدیریت راهبردی (مصاحبه شونده شماره ۶) مشخص گردید که بهره‌مندی از ظرفیت دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل در گرو تدوین برنامه راهبردی است و تا زمانیکه برای این منظور برنامه‌ای جامع و مانع تدوین و طرح‌ریزی نشود نمی‌توان انتظار آن را داشت که سیاست‌های تعیین شده در این حوزه به درستی اجرا شود. براساس اجماع نظر مصاحبه‌شوندگان در تدوین برنامه راهبردی لازم است به استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار، تعیین چشم‌انداز، تعیین فلسفه وجودی ورزش، شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش، تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور و هدف‌گذاری تأکید و تمرکز شود. در مقابل تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد علاوه بر تأکید بر شاخص مذکور باید به سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم هم توجه شود. سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم به این معنا که بودجه کافی ویژه کسب کرسی‌های مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی، اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی ورزشی تخصیص یابد و در ورزش برای برگزاری رویدادهای ورزشی مهم هزینه شود. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان (مصاحبه شونده شماره ۲)، کشور روسیه کشوری بود که از این ظرفیت به‌درستی استفاده کرد. این کشور با به‌کارگیری این راهبرد از طریق برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸، توانست خود را از انزوای سیاسی خارج کند و وجهه بین‌المللی خود را ارتقا دهد. سرانجام مشخص گردید که آگاهی بین‌المللی نیز خود یک عامل تعیین‌کننده در بحث دیپلماسی ورزشی است. آگاهی بین‌المللی به این معنا که راهبران دیپلماسی ورزشی از وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر

کشوری که در آن حضور پیدا می‌کند، آگاهی و شناخت کافی و وافی داشته باشند. شاید مصداق بارز این بعد اثرگذار بر دیپلماسی را نه در حوزه ورزش بلکه در حوزه سیاست خارجه کشور ژاپن دید که در سفر اخیر هیئت ایرانی به ژاپن (مورخ ۲۰ دسامبر / ۲۹ آذرماه ۱۳۹۸) ژاپنی‌ها برای میزبانی از رئیس جمهور کشور و هیئت همراه در محل برگزاری جلسه آیین باستانی ایرانی‌ها را پاس داشتند. این نشان می‌دهد که ژاپنی نسبت به مسائل فرهنگی و تاریخی ایران آگاه هستند و سعی می‌کنند همواره از این طریق، مناسبات سیاسی و دیپلماتیک خود را تسهیل کنند. البته ذکر این نکته حائز اهمیت که مناسبات دیپلماتیک چه ورزشی و چه غیرورزشی در این عوامل خلاصه نمی‌شود و ممکن است پارامترهای دیگری نیز وجود داشته باشد که در این تحقیق فقط این عوامل شناسایی شد.

به طور کلی در این تحقیق مشخص گردید که دیپلماسی ورزشی، یک از ابزار بسیار مهم قدرت نرم برای هر کشوری است. این قدرت که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است می‌تواند مناسبات سیاسی کشورها و در عین حال مناسبات ورزشی آن‌ها را دستخوش تغییر کند. به همین منظور کارکردهایی که برای آن می‌توان متصور شد در دو قالب یا دو بعد دیپلماسی ورزشی جهت راهبرسی سیاسی و دیپلماسی ورزشی جهت راهبرسی ورزشی خواهد بود. در این تحقیق همچنین مشخص گردید که بهره‌مندی و استفاده از دیپلماسی در هر دو بعد در گرو این است که عوامل اثرگذار بر این مهم را شناخته و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. این عوامل شامل کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران سیاسی در عرصه بین‌المللی، جریان سازی، ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان روابط بین‌المللی، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم و آگاهی بین‌المللی بود.

منابع

- بابایی، محمد؛ سیمیر، رضا؛ سلیمانی کشایه، سجاد و رضایی، مریم. (۱۳۹۴). «تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین‌الملل». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۴، شماره ۲۹، صص ۱-۲۶.
- باقری، یوس؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و نظریان، عباس. (۱۳۹۵). «مدل‌سازی نرم (ISM) مولفه‌های دیپلماسی ورزش». مدیریت ورزشی، دوره ۸، شماره ۵، صص ۷۹۷-۸۲۱.
- خبیری، محمد، و فتاحی‌زاده، ابوذر. (۱۳۹۸). «دیپلماسی ورزشی، ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۸، شماره ۴۳، صص: ۱۲۳-۱۶۴.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران: رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا». دوفصلنامه دانش سیاسی. سال ۱۱، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۷.
- شریعتی، مهدی و گودرزی، محمود. (۱۳۹۶). «مدل‌سازی ساختاری مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۸۹-۱۰۲.
- گودرزی، محمود؛ سجادی، نصرالله؛ جلالی فراهانی، مجید و بخشی چناری، امین رضا. (۱۳۹۸). «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۵-۲۲.

شناسایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی ایران با رویکرد تحلیل محتوا

- مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۳). «نقش ورزش در سیاست خارجی قطر: از هویت یابی تا بازیگری منطقه‌ای». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- نوری سید حسینی، رسول. (۱۳۹۴). «طراحی مدل توسعه سرمایه انسانی در ورزش با تأکید بر رویکرد قابلیت». رساله دکتری تربیت بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیرین ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نوری، داود؛ قدیمی، بهرام و شجاعی، معصومه. (۱۳۹۷). «طراحی الگوی دیپلماسی فوتبال ایران براساس نظریه زمینه‌ای». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۷، شماره ۴۱، صص ۱-۳۳.
- هادیان، ناصر و احدی، افسانه. (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی». فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی. سال ۱، شماره ۳، صص ۸۵-۱۱۷.
- هوشمندی، زینو بابایی، مجتبی. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزش، سیاست‌ها و ایجاد صلح». دومین همایش ملی مدیریت برگزاری رویدادهای ورزشی. همدان، ایران. DOI: 10.13140/RG.2.2.13320.11528

- Abdi, K., Talebpour, M., Fullerton, J., Ranjesh, M. J., & Nooghabi, H. J. (2019). "Identifying Sports Diplomacy Resources as Soft Power Tools". *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(3), 147-155.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. sage.
- De-San-Eugenio, J., Ginesta, X., & Xifra, J. (2017). "Peace, sports diplomacy and corporate social responsibility: a case study of Football Club Barcelona Peace Tour 2013". *Soccer & Society*, 18(7), 836-848.
- Jackson, S. J. (2013). "The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world". *International Area Studies Review*, 16(3), 274-284.
- Li, Y. W. (2013). "Public diplomacy strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: a comparative study". *The International Journal of the History of Sport*, 30(15), 1723-1734.
- Merkel, U. (2008). "The politics of sport diplomacy and reunification in divided Korea: One nation, two countries and three flags". *International Review for the Sociology of Sport*, 43(3), 289-311.
- Murray, S. (2018). *Sports diplomacy: Origins, theory and practice*. Routledge
- Özsari, A., Fişekçioğlu, İ. B., Çetin, M. Ç., & Temel, A. S. (2018). "Sport Diplomacy as Public Diplomacy Element". *International Journal of Sport Culture and Science*, 6(3), 339-349.
- Ushkovska, M., & Petrushevska, T. (2015). "Sports Diplomacy: Development and Practice". *Research in Kinesiology*, 43(1), 89-93.